

زمان حال استمراری

زمان حال استمراری : کاری که در زمان حال به صورت استمرار انجام می شود.

طرز ساخت : در زبان فارسی اگر به حاضر ساده علامت دارم-داری- دارد-داریم-دارید-دارند و یا علامت

«در حال» اضافه کنیم حاضر استمراری به دست می آید در انگلیسی اگر بیاییم به حاضر ساده علامت **be +ing**

اضافه کنیم به ما حال استمراری می دهد.

subject + to be + verb + ing

حال استمراری

تذکر مهم : be عبارتند از are, is, am که بین فاعل و فعل اصلی می آید و ing بلافاصله بعد از فعل اصلی

می آید .

تغییرات در زمان حال استمراری : به وسیله am , is , are انجام می شود.

نشانه های حال استمراری :

الف: وجود are, is, am بین فاعل و فعل اصلی

ب: وجود ing در آخر فعل اصلی

ج: وجود قیود زمان در آخر جمله از قبیل

now	حالا
at present	حال- در حال حاضر
for the time being	در این لحظه- فعلاً
at the moment	در این لحظه
This morning	

This year

This week

د: وجود افعال امری هشدار دهنده مثل:

look	نگاه کن	hush up!	ساکت باش
listen	گوش کن	stop	بایست
be careful	با دقت باش	keep	مواظب باش

Listen! Someone's knocking the door

گوش کن - یک نفر داره در می زنه!

Look! Someone is coming.

Be careful he is eavesdropping.

مراقب باش داره استراق سمع میکنه!

چند تذکر مهم :

1- افعالی مانند like-know-understand-want-ing نمی گیرند.

2- افعالی که به y ختم می شوند در موقع ing گرفتن y حذف نمی شود و ing به آخرش می چسبند.

Play → playing

Study → studying

Carry → carrying

3- افعالی که به e ختم می شوند در موقع ing گرفتن e حذف می شود و به جای آن ing می نشیند به جز فعل

be که e آن حذف نمی شود.

Come → coming

Take → taking

Have → having

Be → being

4- افعالیکه یک بخشی هستند و به حرف بی صدا ختم می شوند اگر قبل از حرف بی صدا فقط یک حرف صدا دار داشته باشند (a,e,i,o,u) در موقع ing گرفتن حرف آخر تکرار سپس به آن ing اضافه می شود.

Sit → sitting

Put → putting

Read → reading

5- افعالیکه به ie ختم می شوند در موقع ing گرفتن ie تبدیل به y می شود سپس به آن ing اضافه می شود.

tie → tying بستن

die → dying مردن

lie → lying لم دادن - دراز کشیدن

زمان گذشته ساده

تعریف: کاری است که در گذشته انجام گرفته و تمام شده.

طرز ساخت : اگر به حال ساده ed یا ied اضافه کنیم گذشته ساده به دست می آید.

افعال در گذشته دو دسته اند:

افعال :

see → saw

1- بی قاعده: (شکل عوض می شود):

work → worked

2- با قاعده: (ed-ied)

do → did

am , is → was

are → were

have → had

go → went

come → came

see → saw

تغییرات در گذشته: به عهده فعل کمکی did می باشد.

تذکر بسیار مهم : وقتی که did یا didn't می آید ed یا ied حذف و اگر فعل بی قاعده باشد به حالت اول

خود بر می گردد.

نشانه های گذشته ساده:

1- وجود ed یا ied و تغییر شکل فعل در افعال بی قاعده.

2- وجود قیود زمان مانند:

که در آخر جمله می آیند → yesterday و last day

چند روز قبل → the other day

دو روز قبل → two days ago

برای تاریخ گذشته به کار می رود (in 1920) → تاریخ + in

تذکر مهم : اگر در یک جمله دو فعل داشته باشیم فقط فعل اولی به گذشته تبدیل می شود.

تذکر : افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حروف صدادار داشته باشد برای تبدیل به گذشته فقط ed

می گیرند.

play → played

stay → stayed

*say → said

*pay → paid

و افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حروف صدادار نداشته باشند برای تبدیل به گذشته y را برمی

داریم و تبدیل به i می کنیم سپس ed اضافه می کنیم که ied می شود.

carry → carried

study → studied

try → tried



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آنها کمک کردند به ما در کلاس ساعت 2 دیروز
- 2- ما دیدیم شما را در پارک ساعت 5 هفته گذشته
- 3- ما میخواستیم برویم مدرسه چند روز پیش
- 4- ما دوست داشتیم مؤدب باشیم در کلاس در سال 1367
- 5- ما خسته بودیم دیروز
- 6- پسره پارسال تنبل بود

پاسخ:

- 1-They helped us in the class at 2 o'clock yesterday.
- 2-We saw you in the park at 5 o'clock last week.
- 3- We wanted to go to school the other day.
- 4-We liked to be polite in the class in 1367 year.
- 5- We were tired yesterday.
- 6- The boy was lazy last year.

زنگ تفریح:

To Do

You did. Did you do?
فاعل اصلی اصلی کمکی

He does. Does he do?
Did he do? Yes he did.

You had to go. 1- تو مجبور بودی بروی.

Did you have to go? سؤالی

You didn't have to go منفی

2- او مجبور است برود.

He has to go.

Does he have to go? سؤالی

3- او مجبور بود درس بدهد.

He had to teach.

Did he have to teach?

4- پدرم دیروز اینجا بود .

My father was here yesterday.

5- والدینشان مهربان بودند پارسال.

Their parents were kind last year.

6- من پارسال معلم بودم.

I was teacher last year.

7- آنها داشتند درس می خواندند وقتی که پدرم آمد

They were studying when my father came in.

8- برادرم داشت پیانو می زد وقتیکه معلمش در زد

My brother was playing the piano when his teacher rang.

9- والدینشان داشتند اخبار تماشا می کردند وقتیکه باران آمد.

Their parents **were watching** the news when it was **raining**.

تذکر: هر گاه در جمله **when** داشته باشیم و دو عمل همزمان و با هم صورت گرفته بود هر دو جمله گذشته

استمراری می شوند.

امری کردن فعل :

در زبان انگلیسی اگر ما بیائیم (to) ی مصدری را برداریم و یا اگر بیائیم you را برداریم فعلی که باقی می ماند امری است . برای احترام بیشتر ما می توانیم از کلماتی مثل کلمات زیر استفاده می کنیم:

please →	لطفاً
will you (please) →	اگر امکان دارد (لطفاً)
would you →	اگر زحمتی همیشه
could you →	اگر اشکالی نداره

تست کنکوری :

would you mind + فعل ing دار

do you mind + فعل ing دار

اگر جمله ما منفی بود و دارای you بود you را حذف کنیم فعل امر منفی به دست می آید .

- این قانون در مصدر to be بدین صورت است و قتیکه you را بر می داریم aren't تبدیل به don't be

می شود برای تأکید بیشتر در امر منفی یک again در آخر جمله به کار می رود .

you don't go (امر منفی) → don't go again (تأکید بیشتر)

you aren't (امر منفی) → don't be again (دیگه نباشی ها)

don't (you) ever go (again). (دیگه هرگز نری ها)



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- لطفاً اینجا درس بخوان هر روز .
- 2- لطفاً یک نامه بنویس .
- 3- اگر زحمتی همیشه انگلیسی صحبت کن .
- 4- اگر امکان برای شما دارد به معلم گوش بدهید .
- 5- لطفاً اینجا مؤدب باش .
- 6- لطفاً خوشحال باش .
- 7- اینجا دیگه فوتبال بازی نکن .
- 8- دیگه در رو باز نکن .
- 9- دیگه رو تخته ننویس .
- 10- دیگه تنبل نباش .
- 11- دیگه بد اخلاق نباش .
- 12- دیگه بی ادب نباش .

پاسخ:

- 1-Please study here every day.
- 2-Please write a letter.
- 3-Would you please speak English.
- 4-Would you mind listening to the teacher.
- 5-Please be polite here.

- 6-Please be happy.
- 7-Don't play football here again.
- 8-Don't open the door again.
- 9-Don't write on the black board again.
- 10-Don't be lazy again.
- 11-Don't be bad temper again.
- 12-Don't be rude again.

مرور:

1- من هر روز اینجا کار می کنم .

I work here every day.

I am working here now.

حاضر استمراری

I worked here yesterday.

گذشته ساده

I was working here yesterday.

گذشته استمراری

Work here every day.

امری

2- پدرم فردا ماشین می خرد.

My father will buy a car tomorrow.

3- سال آینده قبول می شوم.

I will pass in the next year.

4- آنها تا سه هفته دیگه اینجا خواهند بود.

They will be here in three weeks.

5- ما بزودی پیروز می شویم.

We will win soon.

6- شما دیر یا زود زرنگ خواهید شد.

You will be clever sooner or later.

7- علی بعداً درس می خواند

Ali will study later.

زمان آینده ساده: Simple future tense

زمان آینده : کاری است که در زمان آینده انجام خواهد شد.

طرز ساخت : بقیه جمله + فعل اصلی + will / shall + فاعل

برای اول شخص مفرد و اول شخص جمع بیشتر به جای (will) می توانیم از shall هم استفاده کنیم .

نشانه های زمان آینده ساده:

الف) وجود فعل کمکی will و یا shall بین فاعل و فعل اصلی

ب) وجود قیود زمان مثل فردا (tomorrow)

قیود زمان :

tomorrow فردا

soon به زودی

sooner or later دیر یا زود

three weeks تا سه هفته دیگر

next + زمان در آینده

in+ زمان (a week/ a year/ a month) تا یک هفته، یک سال، یک ماه دیگر

تغییرات در زمان آینده : به عمده فعل کمکی will یا shall می باشد که با not منفی می شوند و به شکل

won't و shan't در می آیند.

تذکر بسیار مهم: با کلمات زیر will یا shall به کار نمی رود.

if → اگر unless → مگر

when →	وقتی که	as long as →	مادامیکه
while →	وقتی که	suppose →	به فرض اینکه
before →	قبل از	as soon as →	بمحض اینکه
after →	بعد از	to pass →	قبول شدن
till →	تا		
until →	تا		

فرمولهای طرز ساخت :

زمان حال + before + آینده (I)

آینده و حال + before (II)

You **will pass** if you study.

If you study you **will pass**.

I **will call** you as soon as I get home.

As soon as I get home , I **will call** you.

ربط دو جمله

در زبان فارسی اگر بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم با (که) ربط می دهیم اما اگر در انگلیسی بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم به جای که از **that** استفاده می کنیم.

قانون (1) مفعول + فعل + فاعل + **that** + مفعول + فعل + فاعل

1. 2. 3 that 1. 2. 3

I know that you come.

می دونم که تو می آیی

قانون (2): اگر فاعل جمله دوم با فاعل و یا مفعول جمله اول برابر یا هم خانواده باشد در این صورت مجموعه فاعل و **that** جمله دوم حذف و به جای آن **to** می نشیند.

1. 2. 3 **that** 1. 2. 3 → 1. 2. 3 **to** 2. 3

I want you **that you** go → I want you **to** go

قانون (3): اگر جمله دوم ما منفی بود و فاعلش با فاعل و یا مفعول جمله اول هم خانواده بود یا برابر بود در این صورت مجموعه **that** و فاعل را و فعل کمکی منفی را برمی داریم و به جای آن **not to** می گذاریم.

I want you **that you don't** go.

I want you **not to** go.

تذکر: مصدر همیشه با **not** منفی می شود .

(to go → not to go)

(to be or not to be)

Not to go (نرفتن)

Not to come



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من از تو می خواهم که اینجا فوتبال بازی نکنی.
- 2- من خوشحال هستم که تو تنبل هستی.
- 3- آنها دوست دارند که انگلیسی صحبت کنند.
- 4- به تو اجازه می دهم که بخندی اینجا هر روز.
- 5- من تو را دیدم که داشتی درس می خواندی.
- 6- من تو رو می بینم که داری به معلم گوش می دهی.

1. want you not to play football here.
2. I am happy that you are lazy.
3. They like to speak English.
4. I let you laugh here every day.
5. I saw you studying.
6. I see you listening to the teacher.

دو کلمه tell & say

اگر گفتن به تنهایی بیاید و یا بعد از گفتن مفعول شخصی نیاید (گفتن) ترجمه می شود به say و گذشته آن said است.

اگر گفتن با حرف (به) همراه باشد و یا بعد از گفتن مفعول شخصی به کار رود (گفتن) ترجمه می شود به tell که گذشته آن told می باشد.

اگر گفتن با (را) همراه باشد (گفتن) ترجمه می شود به mean و گذشته آن meant است.

I mean you → ترا می گویم / منظورم تو هستی

تذکر بسیار مهم : می توانیم به جای tell از کلمه say to استفاده کنیم چون در موارد زیر حتماً tell به کار می رود.

to tell a lie → دروغ گفتن

to tell a story /tale داستان گفتن

to tell a fact → حقیقت گفتن

to tell a joke → جک گفتن

to tell the time → ساعت گفتن

to tell one's name → نام یکی را گفتن

to tell the fortune → فال گرفتن

to tell the difference → تفاوت چیزی را گفتن

to tell the news → اخبار گفتن

to tell the secret → رموز سر را گفتن

3- در انگلیسی وقتی که از ما سوال می شود ما دو نوع جواب می دهیم که یک جواب کوتاه و یک جواب بلند است همیشه در انگلیسی جواب کوتاه به وسیله افعال کمکی انجام می گیرد .

Do you often go there?

بله من اغلب می روم - من اغلب می روم به آنجا .

Yes I often do. - I often go there.

4- اگر جمله ما به وسیله افعال کمکی مورد تأکید قرار گیرد قیود تکرار قبل از افعال کمکی می آیند.

(این قانون را با قانون 2 اشتباه نکنید.) (فعل کمکی که برای تأکید استفاده می شود do می باشد.)

I always do go.

I never did go.

حرف تعریف

در زبان فارسی اگر بخواهیم اسمی را وارد جمله کنیم ممکن است به آن علامتی اضافه نکنیم .

آب ← آب می خواهم یا پول ← پول دارم

اما اگر در انگلیسی بخواهیم اسمی را وارد جمله کنیم به آن علائمی اضافه می کنیم که حروف تعریف گویند،

مهمترین حروف تعریف عبارتند از :

The که با اسمهای جمع و مفرد قابل شمارش می آید و (را- که - کسره) معنی می دهد و همچنین:

{	a-an	مفرد - قابل شمارش
	some	جمع - قابل شمارش
	any	در موقع سوالی - منفی و سوالی به کار می رود

She has a pen.

She has some pens

Dose she have any pen?

Doesn't she have any pen?

a , an دارای سه تبصره است :

1- اگر u با صدای کشیده خوانده شود (یو) حرف تعریف (a) می گیرد و اگر (u) با صدای کوتاه (آ) خوانده

شود حرف تعریف (an) می گیرد.

(a) → یو → u ← آ ← (an)

a university

یک دانشگاه

a used car یک ماشین کهنه

an umbrella یک چتر

an uncle یک عمو

2- اسامی که با (one) شروع می شوند (a) می گیرند:

A one story building.

A one eyed man.

A one celled animal.

3- اگر در اسم صدای (h) تلفظ شود حرف تعریف (a) می گیرد و اگر صدای (h) تلفظ نشود an می گیرد.

an hour یک ساعت (زمانی)

an honest man یک مرد درستکار

an honor man یک مرد پر افتخار

a hand یک دست

a hen یک مرغ

a hat یک کلاه

تذکر (1): حرف تعریف the با رشته کوهها - دریاها - رودخانه ها - جنگلها - خلیجها - صحراها می آید .

تذکر (2): با هر چیزی که در دنیا فقط یک عدد باشد حرف تعریف the می آید .

The god, The sun, The earth, The moon, The sky

• با جهت های جغرافیایی حرف تعریف The به کار می رود :

The north شمال

The south جنوب

The east	شرق
The west	غرب
The north pole	قطب شمال
The south pole	قطب جنوب

- با کتابهای مذهبی حرف تعریف The به کار می رود .

The bible انجیل

The koran قرآن

The torah تورات

تذکر مهم : بعد از کلمه made of هیچ گاه حرف تعریف نمی آید.

Butter is **made of** ~~the~~ milk.

- بعد از (s) حرف تعریف The نمی آید.

- بعد از اسامی شهر ها و استانها و همچنین کشور ها The به کار نمی رود.

- اگر کشورها به صورت ایالتی باشد حتماً The می گیرد .

The United States of America ایالات متحده آمریکا

The Soviet Union اتحادیه جماهیر شوروی

The Nether land هلند

ضمایر ملکی

ضمایری هستند که همراه با اسم نمی آیند بلکه به جای صفت ملکی و اسم بعد از آن می نشینند و عبارتند از :

مفرد	جمع
mine مال من	ours مال ما
yours مال شما	yours مال شما
his مال او (مذکر)	theirs مال آنها
hers مال او (مؤنث)	
its مال آن (شیء)	

It is my book → it is mine book.

ضمیر ملکی اسم صفت ملکی

حالت اضافی و یا مالکیت دو اسم :

حالت اضافه دو اسم در فارسی با قرار دادن کسره بین دو اسم انجام می شود ولی در انگلیسی ابتدا به اسم دوم

نگاه می کنیم اگر اسم دوم غیر شخص باشد از راست به چپ ترجمه می شود و کسره ترجمه می شود به (of)

the door **of** the class ← در کلاس

the legs **of** the table ← پایه های میز

- اگر اسم دوم ما شخص باشد در این صورت از چپ به راست ترجمه می کنیم و کسره ترجمه می شود به (S')

Ali'**s** mother ← مادر علی

Ali'**s** book ← کتاب علی

- اگر اسم دوم ما جمع باشد به وسیله s یا es یا ies در این صورت از (s) فقط (،) را می نویسیم و (s) را به کار نمی بریم .

the students'**s** parents ← والدین دانش آموزان

- اگر اسم دوم ما به صورت جمع بی قاعده باشد در این صورت (s) لازم است .

the children'**s** parents ← والدین بچه ها

- اگر اسم دوم ما قید زمان باشد در این صورت (s) لازم است.

today'**s** news ← اخبار امروز

tomorrow'**s** news ← اخبار فردا

4- **through** : یعنی از میان و یا از وسط و بین .

این رودخانه از وسط این روستا می گذرد.

The river passes **through** this village.

من میتونم ببینم از وسط شیشه.

I can see **through** the glass.

از میان لوله نگاه نکن.

Don't look **through** the pipe.

آب می گذرد از میان لوله.

The water passes **through** the pipe.

5- **than** : از برتری و مقایسه است و یا تفضیلی در انگلیسی بعد از علامت er در صفات یک بخشی و بعد

از more در صفات چند بخشی به کار می رود .

old → elder → eldest (پیر، پیرتر، پیرترین)

old → older → oldest

beautiful → more beautiful → the most beautiful (قشنگ، قشنگتر، قشنگترین)

My brother is **older than** me.

6- **since** : چون که - زیرا که - از آنجایی که - به این دلیل که .

Since you are my friend I want to help you.

از آنجایی که تو دوست من هستی من می خواهم به تو کمک کنم .

Since he is a good worker, I want to employ him.

از آنجایی که او کارگر خوبی است من می خواهم او را استخدام کنم .

7- **how** : به معنی از کجا- چطوری به صورت استفهامی در اول جمله به کار می رود .

How do you know my name?

How do you know my address?

How do you know my telephone number?

at -8 → to buy از جایی خریدن .

from → to buy از کسی خریدن .

I bought the book from Ali.

I bought the book from my father.

I bought the book from my teacher.

I bought the bread at the baker's.

I buy the meat at the butcher's

Future Continuous Tense

« زمان آینده استمراری »

برای ساختن این زمان در انگلیسی کافی است که به جملات حال استمراری **shall** و یا **will** اضافه کنیم بنابراین فرمول زیر را خواهیم داشت.

Subject + shall /will + be + V.ing

I shall be working
I will be working
He/she/it will be working
You will be working
We shall be working
We will be working
They will be working

تغییرات : در این زمان به عهده دو فعل کمکی **shall** و **will** می باشد.

در ضمن این دو فقط با I, We بکار می روند.

I shan't be studying. you won't be going swimming.
Shall I be seeing you tomorrow?
Will you be coming here tomorrow?
Shan't I be working all day?
Won't they be watching TV tonight ?

کاربرد این زمان: در دو مورد زیر به کار می رود:

الف- دلالت بر انجام عملی می نماید که در زمان آینده در لحظه معینی در حال انجام می باشد مثل :

فردا صبح نشستیم در کلاس و داریم درس می خوانیم.

We will be sitting in the class and studying tomorrow morning.

ب- اگر اطمینان به انجام عمل به آینده داشته باشیم از این زمان استفاده می کنیم مثل :

I will be seeing you tomorrow
فردا می بینمت.

We will be having a test next week

هفته دیگر امتحان داریم.

نشانه های این زمان :

{ all + زمان → all day tomorrow
قید زمان + لحظه معین → This time next session

At 7 o'clock next session

At 9 o'clock tomorrow/ tonight



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من اطمینان داشتم که آن کتاب متعلق به شما نیست.
- 2- من باید هر چه که او گفت انجام می دادم.
- 3- او گفت که نمی تونه در این موقع کمکم کنه.
- 4- من نمیدونستم که تو می خواهی مرا اذیت کنی.
- 5- او فکر کرد که شما ممکن است نیاید اینجا.

1- I had to be sure that that book didn't belong to you.

2- I had to do every thing that he told me.

3- He said that he couldn't help me in this time.

4- I didn't know that you wanted to bother me.

5-He thought that you might not come here.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آیا فردا تمام روز را کار می کنی.
- 2- امشب ساعت 8 چه کار می کنی؟ دارم تلویزیون تماشا می کنم.
- 3- من فردا ساعت 3 می آیم. خوب منتظر تو هستم.
- 4- ما بهتره فردا بیرون بریم چون رضا تمام روز را می خواهد پیانو بزند.
- 5- آیا فکر می کنی وقتی ما برسیم اونها منتظرمان باشند.

- 1- Will you be working all the day tomorrow?
- 2- What will you be doing at 8 o'clock tonight? I am watching TV.
- 3- I will come at three o'clock good!/well! I will be waiting for you.
- 4- We had better go out because Reza will be playing the piano.
- 5- Do you think when we get there, they will be waiting for us.

Sequence of tenses

تطابق زمانها:

هر گاه چندین جمله به دنبال هم قرار بگیرند و جمله اول گذشته باشد سایر جملات نیز به گذشته تبدیل می

گردند. اگر چه در فارسی ممکن است اینطور نباشد. مثال:

مثال:

1- او گفت باید انجام بده هر چی را که داداش بزرگش میگه.

He said that he had to do whatever his elder brother said.

2- او خوب می دانست که حق ندارد من رو اخراج کند.

He knew well that he didn't have the right to fire me.

«Used to »

دلالت بر عملی می کند که در گذشته به صورت عادت و تکرار انجام می شده که در فارسی می توان آن را به

(سابقاً - قدیمها - اونروزها- جوانیها) ترجمه کنیم و برای سؤالی و منفی کردن آن از **did** استفاده می شود

مثال:

He **used to** smoke a lot.

او سابقاً زیاد سیگار می کشید.

Did you **use to** study here?

آیا تو سابقاً اینجا درس می خواندی.

I didn't **use to** see him very often.

من قدیمها او را زیاد نمی دیدم.

else where : یه جای دیگه

someone else : یک نفر دیگه

Used to : علاوه بر عادت و تکرار بیانگر وضعیت و موقعیت در گذشته می باشد.

مثال:

او سابقاً ناظم مدرسه بود اما حالا دیگه نیست

He **used to** be the dean of high school but he isn't now ,again.

توجه : به جای **used to** می توان **would** به کار برد فقط زمانی که عادت و تکرار مطرح باشد.

used to/would → عادت - تکرار

used to → موقعیت و وضعیت



else where : یه جای دیگه

someone else : یک نفر دیگه

مثال:

1- من هر وقت بی پول می شدم می رفتم پیش مادرم.

Whenever I needed some money, I used to/would go to my mother.

2- او سابقاً یک جای دیگه کار می کرد.

He used to work else where.

3- آیا پدرت قبلاً ماشین داشت؟

Did your father use to have a car?

4- من قبلاً تا دیروقت می خوابیدم اما الان زود بیدار می شوم.

I used to sleep late, but I get up early now.

5- ما سابقاً شهر دیگه ای زندگی می کردیم.

We used to live another the city.

6- سابقاً یک نفر دیگه ای معلم ما بود.

Some one else used to be our teacher.

تذکر:

to be used to یا to get used to فعل ing / اسم / ضمیر +

To be used to به مفهوم (عادت داشتن به) می باشد.

To get used to به معنای (عادت کردن به) می باشد.

مثال:

to take a nap : چرت زدن
to do exercises : ورزش کردن
or else : وگرنه



She is used to cats.

She is used to her mother.

She is used to taking a nap after lunch.

بعد از این دو می توان اسم ، ضمیر و یا فعل ing دار داشت used در این دو حالت برابر کلمه

accustomed به مفهوم عادت می باشد.

مثال:

بعضی از شماها عادت ندارید جلوی کلاس بایستید اما نگران نباشید کم کم عادت خواهید کرد.

Some of you aren't used to standing in front of the class but don't worry, gradually you will get used to it.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- این قدر سیگار نکش وگرنه بهش عادت می کنی.
- 2- من اصلاً خسته نیستم چون عادت دارم که ساعتها کار کنم.
- 3- او عادت دارد صبحها ورزش کند.

- 4- اولش ما به این معلم عادت نداشتیم اما بالاخره به او عادت کردیم.
- 5- او عادت دارد بعد از نهار یک چرت بزند.
- 6- آیا تو به زندگی در این محل عادت داری، نه عادت ندارم – نگران نباش بالاخره عادت می کنی.
- 7- او عادت داره قبل از خواب کتاب بخونه.

1. I Don't smoke so much, or else you will get used to it.
2. I'm not tired at all. I'm used to working for hours.
3. He is used to doing exercises every morning.
4. At first, we weren't used to this teacher but , at last we got used to him.
5. He is used to take a nap after lunch.
6. Are you used to living in this area. No I am not (used to living here)
7. Don't worry, at last you get used to it.
8. He is used to reading book before sleeping.

« ضمیمه های سؤالی » Question tag

گاهی اوقات در فارسی برای تأکید حرف خود یا خواستن نظر شنونده در آخر جملات (مگه نه - مگه این طور نیست - و هان) به کار می بریم که برای ترجمه آنها به یکی از دو روش زیر عمل می گردد:

1- اگر جمله ما مثبت باشد باید فعل کمکی و not را به صورت سؤالی منفی مخفف شده در آخر جمله قرار بدهیم مثل :

1- باید از مقررات پیروی کنیم مگه نه؟ یا نباید پیروی کنیم؟

We must obey the regulations , **mustn't we?**

2- میتونه بهمون اعتماد کنه مگه نه؟ یا میتونه بهمون اعتماد کنه ، نمیتونه؟

He can trust us , **can't he?**

3- آن چرا که تو گفتی من باور کردم مگه نه؟ یا آن چرا که تو گفتی من باور نکردم، نکردم؟

I believed what you said , **didn't I?**

2- در صورتی که جمله منفی باشد باید فعل کمکی و فاعل را به صورت سؤالی مثبت در انتهای جمله به کار ببریم مثلاً

او از سگ نمی ترسد - مگه نه؟

She isn't afraid of the dog, **is she?**

آنها به او اتهام دزدی نزدند - مگه نه؟

They didn't accuse him of stealing, **did they?**

تو که دوست نداری بهت بگویند خنگ - مگه نه؟

You don't like to be called stupid, **do you?**

تبصره 1 : چون am not مخفف ندارد در زمینه های سؤالی از I aren't یا از am I not استفاده می شود

مثل :

من نسبت به تو وفادارم مگه نه؟

I am faithful to you, **aren't I?**

I am faithful to you, **am I not?**

من نسبت به بچه‌ها مهربانم مگه نه؟

I am kind to the children, **aren't I?**

تبصره 2 : در ضمیمه های سؤالی به جای اسم از ضمائر فاعلی استفاده می شود و در صورتی که جمله ای با

there شروع شود از خود آن استفاده می کنیم مثال:

پول خوشبختی نمی آورد مگه نه

Money doesn't bring luck, **does it?**

شاگردان بیشتر مایلند بموندند مگه نه.

The students are willing to stay more, **aren't they?**

علی رضا بیرون منتظر است مگه نه.

Ali reza is waiting outside, **isn't he?**

امروز کلاس نیست مگه نه.

There is no class today, **is there?**

آن کتاب متعلق به تو نیست مگه نه.

That book doesn't belong to you, **does it?**

تبصره 3 : هر گاه در جمله کلمات منفی مانند کلمات زیر داشته باشیم ضمیمه سؤالی آن مثبت خواهد بود.

Hardly / Never / Barely / No / Seldom/ None/ Rarely/ Little / Scarcely / Few

مثال:

این روزها پول به جایی نمی رسه؟ مگه نه.

Money goes nowhere nowadays, **does it?**

لیلا هیچ وقت دروغ نمی گوید.

Leyla never tells lise, **dose she?**

تبصره 4 : جملاتی که با let's شروع می شوند (حالت پیشنهادی دارند) ضمیمه سؤالی شان shall we

خواهد بود مانند :

بیا بریم و همه چی رو بهش بگیم میای؟

Let's go to tell him every thing , **shall we?**

Let's study together, **shall we?**

تبصره 5 : tag جملات امری چه مثبت چه منفی یکی از عبارات زیر خواهد بود:

Will you- would you- can you- could you

Do me a favor, **will you?**

Come and see us, **will you?**

Don't be so stingy, **will you?**

Avoid Repatition

جلوگیری از تکرار اسم

هم در فارسی و هم در انگلیسی اسم قابل حذف می باشد منتها در انگلیسی پس از حذف اسم باید **a** و **an** را به **one** تبدیل کرد. **Any & some** تغییری نخواهد کرد و در صورتی که اسم با **no** منفی شده باشد در حالت حذف اسم از **none** استفاده می کنیم . هنگام جلوگیری از تکرار اسم کلمه (هم) وارد جمله می شود که در حالت مثبت به **too** و در حالت منفی به **either** ترجمه خواهد شد.

a/an اسم
 →
one, too

{
 I want to buy **a** car.
 I want to buy **one, too**.
 } (1)

Some اسم
 →
some, too

{
 I like **some** cold drink.
 I like **some, too**.
 } (2)

any اسم
 →
any, either

{
 I don't have **any** change.
 I don't have **any, either**.
 } (3)

no اسم
 →
none, either

{
 We have **no** class today.
 We have **none, either**.
 } (4)



to know of: سراغ داشتن

to be willing: مایل بودن

party : مهمانی

1- من می خواهم یک مقداری میوه بخرم. من هم می خواهم بخرم.

I want to buy some fruit , I want to buy some too.

2- او دوستان خوبی در این کلاس دارد من هم دارم.

He has a lot of good friends in this class, I have some too

3- من وقت ندارم جواب تلفن را بدهم او هم ندارد.

I have no time to answer the telephone , he doesn't have any either.

4- من یک دکتر خوبی رو سراغ دارم . من هم یکی رو سراغ دارم.

I know of a good doctor, I know of one too

5- آنها هم مایل نیستند به آن مهمانی بروند.

They arent willing to go to that party , either.

The additions « جلوگیری از تکرار جمله »

در فارسی می توان با مجموعه « هم _ همینطور » از تکرار جمله جلوگیری نمود که برای ترجمه آن به یکی از دو روش زیر عمل می کنیم:

فاعل + فعل کمکی + **so** → مثبت

فاعل + فعل کمکی + **too** → مثبت

فاعل + فعل کمکی + **neither** → منفی

فاعل + فعل منفی + **either** → منفی

مثال:

1- او امروز سر حال است من هم همینطور.

He is in a good mood today, so am I/ I am too.

2- او سابقاً اینجا درس می خواند برادرش هم همینطور.

He used to study here, so did his brother/ his brother did too.

3- او مجبور نیست با شما کار کند - کارگرا هم همینطور.

He doesn't have to work with you, neither do the workers/ the workers don't either.

4- او فردا نمی آید کلاس دوستش هم همینطور.

He won't attend the class tomorrow, his friend won't either/ neither will his friend.

5- من از او تشکر کردم علی هم همینطور.

I thanked him, so did ali.

6- او به من سلام نداد داداشش هم همینطور.

He didn't say hello to me, neither did his brother.

7- او از دوستان قدیمی من است علی هم همینطور.

He is one of my old friends , so is ali .

8- ما هفته آینده امتحان خواهیم داشت ، آنها هم همینطور.

We will have a test next week , so will they.

9- من نمیتونم حرف های تو رو خوب بفهمم ، او هم همینطور.

I can't understand your words well , neither can he.

CAN → در آینده

اگر توانستن مفهوم اجازه و امکان را داشته باشد در آینده از خود **can** استفاده می شود. اما اگر قدرت و توانایی مطرح باشد باید از « **will be able to** » استفاده کرد.

(قدرت و توانایی) can → will be able to در آینده

(اجازه - امکان) can → can در آینده

1- تو می توانی فردا همراه من بیایی به شرط اینکه از پدرت اجازه بگیری.

You **can** come with me tomorrow, provided you ask your father's permission.

2- پایم بد جوری درد می کند نمی تونم فردا توی تیم بازی کنم.

My foot hurts painfully, I **won't be able to** play on the team tomorrow.

MUST → در آینده

اگر باید در آینده حالت امر و دستور داشته باشد و یا اینکه از طرف گوینده و یا شنونده مطرح گردد باید از خود **must** استفاده گردد. اما اگر امر و دستور نبود بلکه علت و دلیلی برای نیاز به کاری باشد در این حالت **will have to** بکار می رود.

(علت و دلیل برای نیاز به کاری) Will have to → must در آینده

(امر و دستور از طرف گوینده و شنونده) Must → must در آینده

1- تو باید هر چی که من می گویم انجام دهی وگرنه (والا) اخراجت می کنم.

You must do what I say, or else I will fire you.

2- اگر می خواهی توی امتحان کنکور قبول شوی باید حسابی مطالعه کنی.

If you want to pass in the university entrance examination , you will have to study hard.

WANT → در آینده

اگر خواستن به مفهوم احتیاج و نیاز باشد یعنی در اصل با اسم غیر مشخص همراه باشد از **will want** استفاده می کنیم.

و اگر خواستن با فعل همراه بوده و به مفهوم قصد و تصمیم باشد از **to be going to** استفاده می شود و در صورتی که خواستن با مفعول شخصی همراه بوده و به مفهوم انتظار داشتن باشد از فرمول زیر استفاده می شود.

مصدر + مفعول شخصی + want

want در آینده	expect	→	مصدر + مفعول شخصی + Want	انتظار داشتن، خواهش کردن
	intend	→	فعل + to be going to	تصمیم داشتن، قصد داشتن
	need	→	اسم غیر شخص + will want	نیاز، احتیاج

مثال:

من هفته آینده پولم رو می خوام - می خوام یک ماشین بخرم - ازت می خوام پولم رو پس بدهی.

I will want my money next week - I'm going to buy a car- I want you to pay my money back.

Some & any

1 - some به مفهوم (تعدادی - چند تایی - بعضی) قبل از اسامی قابل شمارش جمع و به مفهوم (مقداری - مقدار کمی - قدری) قبل از اسامی غیر قابل شمارش به کار رفته و در جملات منفی به any تبدیل می گردد.

مثال:

I want to buy **some** books. می خواهم تعدادی کتاب بخرم.

some people say that he is crazy. تعدادی از مردم گفتند که دیوانه است.

There is **some** cold water in the jar. مقداری آب خنک در کوزه وجود دارد.

why didn't you eat **any** fruit? چرا تو هیچ میوه ای نخوردی؟

من نمی خواهم هیچ کدام از شما دو تا روزه شوید .

I don't want **any** of you to fail.

تبصره 1 : اگر هنگام سؤال انتظار جواب مثبت داشته باشیم جواب some است.

You look thirsty , do you want some water?

تبصره 2 : در جملات تعارفی some به any تبدیل نمی شود. مثال:

would you like **some** more tea? باز هم چای میل دارید؟

تبصره 3 : اگر اسم قابل شمارش مفرد به طور کلی نامعین باشد قبل از آن some به کار می بریم.

You should have a good command of english because **some day** , **some student** may ask you **some question** that you can't answer.

تو باید به انگلیسی مسلط باشی - چون یکروزی (نا مشخص) - یک شاگردی (نا مشخص) ممکن است یک سؤالی از تو بپرسد که نتوانی جواب بدهی.

تبصره 4 : any در جملات مثبت با اسم مفرد به کار رفته و تأکید کلمه هر می باشد.

برای نهار چی میل دارید؟ هر چی که تو دوست داشته باشی.

What would you like for lunch? Any thing you like.

« ضمائر نیمه مجهول »

some body	→	یک نفر - یک کسی
some one	→	یک نفر - یک کسی
some thing	→	یک چیز
some where	→	یک مکانی - یک جایی
some place	→	یک مکانی - یک جایی

اگر به جای some از every یا any استفاده کنیم خواهیم داشت:

every body	→	همه - همه کس
every one	→	همه - همه کس
every thing	→	همه چیز
every where	→	همه جا
every place	→	همه جا

اگر no را به جای some به کار ببریم این ضمائر منفی خواهند شد.

no body	→	هیچ کس
no one	→	هیچ کس
no thing	→	هیچ چیز
no where	→	هیچ جایی
no place	→	هیچ جایی

کلیه ضمائر گفته شده همانند سوم شخص مفرد عمل می کنند.

some body / every body / nobody / any body → works

اگر به این ضمائر گفته شده حالت ملکی تعلق بگیرد بعد از آنها 's خواهیم داشت و در صورتی که با else همراه باشد 's را بعد از آن خواهیم آورد.

Some body	}	اسم + 's +
every body		
no body		اسم + else's +
any body		

هر گاه ترکیبات some فاعل جمله باشند فقط و فقط با no منفی می گردند اما اگر فاعل نبوندند دو منفی خواهند داشت یکی با no جمله مثبت و دیگری با any جمله منفی می آید.

Somebody knows him.

یک نفر او را می شناسد

Nobody knows him.

هیچ کس او را نمی شناسد.

He knows **somebody**.

او می شناسد یک نفر را

He knows **nobody**.

او هیچ کس را نمی شناسد

He doesn't know **anybody**.

او هیچ کس را نمی شناسد

1- آیا کسی تصمیم دارد چیزی بگوید.

Is anybody going to say anything?

2- دیروز کسی چیزی به من نگفت.

Nobody told me anything yesterday.

3- می خواهم همه این موضوع را بفهمند.

I want every body to understand this matter.

4- برادر یک کس دیگه ای یک چیز دیگه ای می گفت.

Some body's brother said some thing else.

Some body else's brother said some thing else.

5- ما تصمیم داریم از یک جای دیگه دیدن کنیم.

We are going to visit some where else.

اگر بخواهیم ترکیبات some را جمع ببندیم خواهیم داشت:

some body/some one یک کسی → some people یک کسانی

some thing یک چیزی → some things یک چیزهایی

some where/some place یک جایی → some places یک جاهایی

Else : در حالت جمع به other تبدیل می گردد. بنابراین خواهیم داشت:

some body else یک کس دیگر → some other people کسان دیگری

some one else یک کس دیگر → some other people کسان دیگری

some thing else یک چیزی دیگر → some other things چیزهای دیگری

some where else یک جای دیگه → some other places جاهای دیگری

some place else یک جای دیگه → some other places جاهای دیگری

اگر در حالت جمع به جای some از what استفاده شود حالت سؤالی خواهیم داشت.

what other people? چه کسان دیگه ای؟

what other things? چه چیزهای دیگه ای؟

what other places? چه جاهای دیگه ای؟

اگر ضمایر نیمه معین در حالت مفرد مورد سؤال قرار گیرند خواهیم داشت:

some body else / some one else → who else? دیگه کی

some thing else → what else? دیگه چی

some where else/ some place else → where else? دیگه کجا

نکته : به جای whom else از who else و به جای whose else از who else's استفاده می شود. مثال:

1- چه کسان دیگه ای را می خواهی برای شام دعوت کنی؟

What other people are you going to invite for dinner?

2- ماشین چه کس دیگه ای بیرون است؟

Who else's car is outside?

3- چه چیزهای دیگه ای او می داند؟

What other things does he know?

4- دیگه کی دوست داشت همراه تو به اینجا بیاید؟

Who else liked to come here with you?

5- برادر چه کس دیگه ای این موضوع رو می دونه؟

Who else's brother knows this matter?

« دو ملکیتی ها »

چون **this** و **that** و جمع آنها **these** و **those** را نمی توان با صفات ملکی به کار برد لذا از فرمول زیر که به آن دو ملکیتی گفته می شود استفاده می کنیم.

this, that, these, those + اسم + of + ضمایر ملکی

This book of Ali's.

This book of mine.

1- من این برادر تو را از قبل می شناسم.

I already know this brother of yours.

2- ممکنه اون کتاب انگلیسیت را قرض کنم؟

May I borrow those two english books of yours?

3- این پسر علی آقا همیشه ما را اذیت می کنه.

This son of Ali's always bothers us.

4- این دانش آموزان ما دوست دارند جملات فارسی بیشتری بنویسند.

These students of ours like to write more persian sentences.

5- یکی از دانش آموزان من می خواهد حقیقت را بداند.

One student of mine wants to know the fact.

6- این معلم ما گاهی اوقات به حرفهای ما گوش نمی دهد.

This teacher of ours sometimes doesn't listen to our words.

7- تعدادی از همکلاسیهای شما تصمیم دارند جمعه آینده به اینجا بیایند.

Some of your classmates decide to come here next Friday.

8- این برادر بزرگتر تو می تونه با اون دوست خوب من دوست بشه.

This elder brother of yours can make friends with that good student or friend of mine.

حالات ملکی : possessive forms

1- صفات ملکی

2- ضمایر ملکی

3- of و 's

4- **own** : به مفهوم داشتن - مالک بودن و صاحب بودن می باشد و همانند سایر افعال صرف می شوند.

His father **owns** a factory. پدرش مالک یک کارخانه است - کارخونه دار است.

I used to **own** a bicycle. من سابقاً یک دوچرخه داشتم.

تذکر : هر گاه کلمه خود صفت ملکی را تأکید کند آنرا به **OWN** ترجمه نموده و بعد از صفت قرار می دهیم.

whose car is it? ماشین کیه؟ that is my own car. ماشین خودمه

تذکر : **belong to** : به مفهوم متعلق بودن و تعلق داشتن است.

This fountain pen belongs to me. این خودنویس متعلق به من است

Whom does this fountain pen belong to? این خود نویس متعلق به کیست؟

رابطه دو جمله : Putting two sentences together

در انگلیسی دو جمله را با keep ربط می دهند در این حالت اگر جمله دوم سؤالی باشد کلمه (که) به (که آیا)

تبدیل می گردد که در انگلیسی آن را به if یا whether ترجمه می کنند.

« باید توجه داشت که بعد از این دو، جمله از حالت سؤالی خارج می گردد. »

در ضمن در آخر جمله فارسی یا نه به کار می برند که نیازی به ترجمه آن نیست و در صورت تمایل می توان آنرا

به (or not) ترجمه نموده و در آخر جملاتی قرار داد که از whether استفاده شده است (or not) می تواند

بعد از whether نیز قرار گیرد.

I want to know if you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether or not you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether you will come here tomorrow on Friday or not.

می خواهیم بدانم که آیا شما جمعه می آید اینجا یا نه؟ شما جمعه می آید اینجا یا نه؟

« جملات دو سؤالی »

الف) هر گاه از کسی با لغات استفهامی بپرسند و بنا به هر دلیلی مجبور شویم جمله سؤالی خود را تکرار کنیم در حالت تکرار مجموعه (گفتی - گفتید - فرمودید - ببخشید) وارد جمله می گردد که در انگلیسی آنها را به **did you say** ترجمه نموده و بعد از لغات استفهامی قرار می دهیم . لازم به تذکر است که **did you say** تأثیری بر زمان جمله ندارد.

مثال:

Where are you going? کجا داری می روی؟

Where **did you say**, you are going? گفتی کجا داری می روی؟

How much money do you have on you? چقدر پول همراهت داری؟

How much money **did you say** you have on you? گفتی چقدر پول همراهت داری؟

ب) اگر از کسی سؤالی با لغات استفهامی بپرسیم و شنونده به جای جواب، سؤالی بر سؤال ما اضافه کند در فارسی از مجموعه « اگر گفتی » استفاده خواهیم کرد که در انگلیسی آن را به « **do you think** » ترجمه نموده و بعد از لغات استفهامی قرار می دهیم.

مثال :

Who is he? او کیست؟

Who **do you think** he is? اگه گفتی او کیست؟

How old are you? چند سالته؟

How old **do you think** I am? اگه گفتی من چند سالمه؟

بحث : « self »

1- هر گاه فاعل و مفعول جمله یک نفر باشند در فارسی از ، خودت ، خودم ، خودش ، خودمان ، خودتان ، خودشان ، ولی در انگلیسی از ضمایر زیر که به آنها « ضمایر انعکاسی » گفته می شود استفاده می کنیم.

Reflexive pronouns

ضمایر انعکاسی

مفرد	جمع
myself خودم	ourselves خودمان
yourself خودت	yourselves خودتان

مثال :

چرا خودت را معرفی نکردی؟

Why didn't you introduce **yourself**?

فکر می کنم دیوانه است داره با خودش حرف می زنه.

I think she is crazy, she is talking to **herself**.

2- اگر self ها ، مفعول جمله نباشند ، حالت تأکیدی داشته و می توانند در آخر جمله و یا بعد از فاعل قرار گیرند.

مثال :

تو خودت این حرف رو بهم زدی ؟

You told it to me, **yourself**.

You, **yourself** told it to me.

اونها خودشان ما را دعوت کردند.

They invited us **themselves**.

They **themselves** invited us.

3- هر گاه self ها مفهوم به تنهایی را داشته باشند قبل از آنها by اضافه می شود و در حالت تأکیدی « all by » را

خواهیم داشت.

مثال : پسرم اینقدر بزرگ شده که خودش به تنهایی برود به مدرسه.

My son is old enough to go to school **by himself**.

مثال : تک و تنها نشسته دم در و داره گریه می کنه.

He is sitting at the door **all by himself** and crying.

4- هر گاه self ها همراه با حرف اضافه بوده و حالت انعکاسی نداشته باشند (یعنی خودشان مفعول جمله نباشند)

در این حالت از ضمایر مفعولی باید استفاده کرد این قاعده در مورد to و for صادق نیست.

I take the books with me/ ~~myself~~

she has some money on her/ ~~herself~~

close the window behind you/ ~~yourself~~

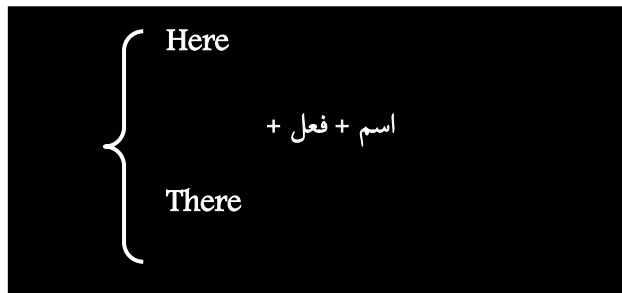
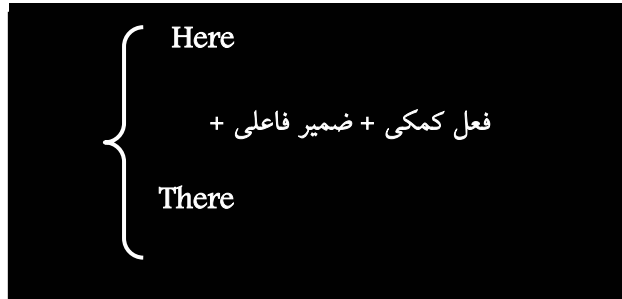
she made address for **herself**

I read the text to **myself**

Here & There

here به مفهوم اینجا و there به معنای آنجا هر دو قید مکان جمله می باشند . برای تأکید می توان آنها را در اول

جمله قرار داد در این حالت اگر فاعل ما اسم باشد فعل به قبل از آن منتقل می گردد.



مثال:

Here I am. (بله اینجا هستم - ایناهاشم)

Here you are. (بفرما - دیدی)

Here it is . (ایناهاش)

There they are. (اوناهاشن)

There are the children (اوناهاشن بچه ها)

Here comes the bus. (ایناهاش اتوبوس داره میاد)

There goes your fathre. (اوناهاش پدرت داره میاد)

« چند عبارت تعارفی »

Help your self: تعارف برای خوردن

you first: شما بفرمایید (دم در هنگام ورود)

after you: شما بفرمایید (دم در هنگام ورود)

ladies first: بفرمایید-خانمها اول - خانمها مقدمترند

please be seated: بفرمایید بنشینید

go on:/ go ahead بفرمایید ادامه دهید

who is speaking: بفرمایید شما کی هستید

there are از جمع حالت جمع از **there is** در حالت مفرد از **there is** و در حالت جمع از **there are**

استفاده می شود. مثال:

یک خودکار توی جیبم است بیا برش دار.

There is a pen in my pocket , come and take it.

وقتی اوادم تو دو تا خودکار روی میزم بود.

When I came in, **there were** two pens on my desk.

یک کمی آب یخ توی یخچال است.

There is some cold water in the refrigerator.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- می خواهم بدونم که آیا تصمیم داری این خونه را بخری یا اجاره کنی؟
- 2- از او بپرس که آیا می تونه یک مقداری پول بهت قرض بدهد؟
- 3- مطمئن نیستم که آیا او همراه من به جلسه خواهد آمد یا نه ؟
- 4- او خودش به تنهایی در این خانه کوچک زندگی می کند.
- 5- ای کاش می توانستم خودم را همانطور که دیگران می بینند بینم.

- 1- I want to know whether you are going to buy or rent the house.
- 2- Ask him if he can lend you some money.
- 3- I'm not sure whether he will come to the meeting with me or not.
- 4- He lives in this small home by him self.
- 5- I wish I could see my self as others see me.

بحث « it »

هر گاه فاعل جمله بنا به هر دلیلی مشخص نباشد از ضمیر **it** به عنوان نائب فاعل استفاده می شود و موارد کاربرد

آن عبارتند از:

1- آب و هوا:

مثال:

It is hot today.

It is cold today.

It was raining.

هوا بارانی بود.

It is sunny.

هوا آفتابی است.

2- قید زمان:

مثال:

Hurry up ! **it** is getting late .

عجله کن داره دیر می شه.

What time is **it** ? **it** is five to two.

ساعت چند است؟ ساعت 5 دقیقه مانده به 2 .

What time is **it** ? **it** is five to two.

3- مسافت:

مثال:

it is far.

دور است.

How far is **it** from here?

از اینجا چقدر دور است؟

it is about 5 miles.

حدود 5 مایل است.

4- شناسائی و تشخیص هویت : مثال:

کی پشت در است ؟ باید علی باشد.

Who is **it** at the door? **It** must be Ali.

5- همراه با صفات :

مصدر + (مفعول + for) + صفت + **it + is / was / will be**

انگلیسی حرف زدن آسان است.

It is easy.

It is easy **to speak** English.

It is easy **for you to speak** English.

6- **it** در اصطلاحات مختلف به کار می رود مانند:

That is it خودشه

It is a pity : افسوس حیف شد

It pays well/ it is worth it: می ارزد - ارزشش را دارد

Be it so : آمین - اینطور بشه

take it easy: بی خیال - سخت نگیر

it is time: وقتشه

it makes no difference : فرق نمی کنه

it is no Use/ Good + فعل + ing

بی فایده است، فایده ندارد

It isn't up to you

به تو چه مربوط

It is none of your business

به تو چه مربوط

صرف یک فعل در 16 زمان

- | | |
|------------------------------|--|
| 1 I take. | حال ساده |
| 2. I am taking. | حال استمراری |
| 3. I have taken. | ماضی نقلی (حال کامل) |
| 4. I have been taking . | ماضی نقلی استمراری (حال کامل استمراری) |
| | |
| 1. I will take. | آینده ساده |
| 2. I will be taking. | آینده استمراری |
| 3. I will have taken. | آینده کامل |
| 4. I will have been taking. | آینده کامل استمراری |
| | |
| 1. I would take. | آینده در گذشته |
| 2. I would be taking. | آینده در گذشته استمراری |
| 3. I would have been taking. | آینده در گذشته کامل استمراری |
| 4. I would have taken. | آینده در گذشته، کامل |
| | |
| 1. I took. | گذشته ساده |
| 2. I was taking. | گذشته استمراری |
| 3. I had taken. | ماضی بعید - گذشته کامل |
| 4. I had been taking. | گذشته کامل استمراری |

« حروف اضافه مکان »

1- **along** = به مفهوم در طول و در امتداد.

across = به معنای در عرض و آنطرف می باشد.

من از این سوی خیابان به آن سو رفتم.

I went **across** the street.

دیروز او را دیدم کنار خیابان قدم می زد.

I saw him walking **along** the street yesterday.

یک ساندویچ فروشی آنطرف خیابان است.

There is a sandwich shop **across** the street.

2- **against** : به معنای بر علیه و بر خلاف و بر ضد و تکیه دادن بر چیزی می باشد.

They voted **against** us.

آنها بر خلاف ما رأی دادند.

It is **against** regulations.

بر خلاف مقررات است.

3- قبل از وسائط نقلیه و همینطور چهار طریقه مسافرت حروف اضافه **by** به کار می رود و در صورتیکه

قبل از وسائط نقلیه صفت ملکی و یا حروف تعریف داشته باشیم از **in** استفاده می گردد و در مورد اتوبوس **on** هم

صحیح است و در مورد حیوانات وسائط دو چرخ حرف اضافه **on** به کار می بریم.

By bus , **By** taxi , **By** car , **By** subway , **By** plane

By land , **By** sea , **By** air , **By** train (rail road)

in/on a bus

in the car , **in** my car

on a bicycle , **on** a horse

4- **inside # outside** : بیان کننده سطح و فضای داخلی می باشد و متضاد آن **out side** می

باشد.

داخل کلاس گرمتر از بیرون کلاس است.

It is hotter **inside** the class than **outside**.

در از داخل قفل است.

The door is locked from **inside**.

5- **in # out , into # out of**

in به معنای (در ، داخل ، توی) می باشد و وقتی به کار می رود که عملی در حرکت نبوده و اگر هم باشد اسم مکان ذکر نمی گردد و در صورت ذکر مکان از **into** استفاده خواهد شد. متضاد **in # out** و متضاد **into # out of** می باشد.

مثال :

the student are in class. دانش آموزان توی کلاسند

come in. بیا تو

go out. برو بیرون

come into the class. بیا توی کلاس

go out of the class. از کلاس برو بیرون

با لباس پرید توی استخر و بچه ای را که داشت غرق می شد بیرون آورد.

He jumped **into** the pool with his clothes on and pulled the drowning boy **out of** the pool.

تذکر: برای مکانهای سر پوشیده و مایع و محصور **in** به کار می رود.

in the room , in the office

سر پوشیده

in the yard , in the garden

محصور

in the river , in the sea

مایع

تذکر: قبل از here ، there می توان in به کار برد.

Come in here.

بیا اینجا

Don't smoke in there .

اونجا سیگار نکش



to eat in.

در خانه غذا خوردن

to eat out.

بیرون خانه غذا خوردن

to be in.

در خانه بودن

to be out.

در خارج از خانه

to let in.

اجازه ورود

to let out.

اجازه خروج

to breathe in.

دم

to breathe out.

باز دم

at -6 : به مفهوم (کنار - نزدیک - دم) می باشد و در مورد **table , desk** به معنی پشت است . مثال :

او نشسته دم پنجره و داره بیرون را تماشا می کنه.

He is sitting **at** the window and watching out.

بشین پشت میزت و درس بده .

Sit **at** your desk and teach.

نکته : مکان: **in** بزرگ - **at** کوچک

The plane will land **in** Tehran **at** Mehrabad airport.

نکته : سازمان: **at** بزرگ - **in** کوچک

He works **at** the oil company **in** accounting department.

تذکر: برای « **office** » که دو حالت دارد:

آقای جونز در یک جای اداره است ولی در دفترش نیست.

Mr Jones is somewhere **at** the office but not **in** his office.

on -7 : وقتی به کار می رود که چیزی بر روی چیز دیگری تماس داشته باشد.

مثال:

روی زمین ننشین ، بنشین روی صندلی.

Don't sit **on** the floor ! sit **on** the chair.

-8 over & above :

هر دو وقتی به کار می روند که چیزی بر بالای چیزی دیگر بدون تماس قرار گرفته باشد با این تفاوت که **over**

حالت عمود اما **above** غیر عمود می باشد.

و متضاد **under # over** و **below # above** می باشد.

مثال 1 : اسم را باید کجا بنویسیم بالای خط یا پایین خط؟

Where should I write my name? **over** the line or **under** it .

مثال 2 : چهار تا لامپ بالای سر ما است.

There are four lights **above** our heads.

مثال 3 : زیر پایت چیه ؟

What is it **under** your foot

حال کامل (ماضی نقلی) :

تعریف : این زمان دلالت بر انجام عملی را می نماید که در گذشته شروع و حال که راجع به آن صحبت می کنیم اثر و نتیجه آن باقی و مشخص است .

علامت این زمان در زبان فارسی :

A : طول مدت زمان با کلمه « است » همراه جملات حال ساده علامتی از این زمان در فارسی می باشد. در این حالت کلمه است به انگلیسی ترجمه نشده و قبل از طول مدت زمان، For بکار می بریم که به فارسی ترجمه نمی شود.

طول مدت زمان + است + حال ساده ← حال کامل

مثال:

I have known him **for** two years. دو سال **است** که او را می شناسم.

He has had this car **for** five years. 5 سال **است** که او این ماشین را دارد.

B : وجود کلمه « از » در اول قید زمان گذشته و مجموعه « تا حالا » همراه با جملات حال ساده علامت دیگر این زمان در فارسی است. در این حالت مجموعه تا حالا به انگلیسی ترجمه نشده و کلمه (از) را به **since** ترجمه کرده و قبل از قید زمان به کار می بریم.

از + قید زمان گذشته + تا حالا + حال ساده ← حال کامل

مثال : او از ساعت 2 تا حالا اینجا است.

He has been here **since** two o'clock.

مثال : از هفته پیش تا حالا مدرسه نمی رود.

He hasn't gone to school **since** last week.

C : وجود (ام - ای - است - ایم - اید - اند) بعد از اسم مفعول فعل فارسی علامت دیگر این زمان می باشد.

مثال:

I haven't notified them.

من به آنها اطلاع نداده ام .

نشانه های این زمان

for - 1

طول مدت زمان + for

for two weeks.

دو هفته است

طول مدت زمان + for the last/ past

for the last two weeks.

از دو هفته پیش تا حالا

2. since :

قید زمان گذشته + since

since yesterday

از دیروز تا حالا

قید زمان + last + since

since last week

از هفته پیش تا حالا

3- **since / since then/ever since** : از آن موقع تا حالا

دو هفته پیش رفته انگلیس از آن موقع تا حالا از او خبری ندارم.

He left for England two weeks ago and I haven't heard from him since/ since then/
ever since.

.4

(I) گذشته ساده + since + ماضی نقلی**(II) گذشته ساده + since + قید زمان + it is**

در فرمول (I) اگر قبل از since قید زمان بود فرمول به (II) تبدیل می شود.

مثال : از وقتی این ترم را شروع کردیم سه ماه می گذرد.

It has been three months **since** we started this term.It is three months **since** we started this term.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- از وقتی که دوستش مرد تا حالا خیلی ناراحته.
- 2- دو ترم است انگلیسی می خوانیم ولی نمی توانیم انگلیسی صحبت کنیم.
- 3- او از صبح تا حالا هیچ چیزی نخورده است.
- 4- سه سال است او در این مدرسه ریاضیات تدریس می کند.
- 5- یک ساعت و نیم است که او اینجاست.

- 1- He has been very upset since his friend died.
- 2- We have studied English for two terms but we can't speak.
- 3- He hasn't eaten anything since morning.
- 4- He has taught mathematics in this school for three years.
- 5- He has been here for an hour and a half.

5. **recently- lately** : هر دو به مفهوم اخیراً - تازگی ها - قبل از p.p و یا انتهای جمله به کار می رود.

مثال:

او اخیراً یک ماشین نو خریده است.

He has **recently / lately** bought a new car.6. **ever-never** : هر دو به مفهوم هرگز - اصلاً - ابداً - تا کنون - قبل از p.p قرار می گیرند با این تفاوت کهever در جملات سؤالی و منفی اما never در جملات مثبت به کار رفته و مفهوم آنها را منفی می کند.

مثال : آیا تا کنون به انگلستان رفته ای ؟ نه هرگز به آنجا نرفته ام.

Have you **ever** been to England ?

No, I haven't **ever** been to England.

No, I have **never** been to England.

7. هر گاه مجموعه تا حالا به طور تنها به کار رفته باشد آن را به یکی از عبارات زیر ترجمه نموده و در آخر ماضی

نقلی به کار می بریم.

So far

by now

up to now

up till now

up to the present time.

I have reviewed this lesson twice **so far**.

8. **already** : قبل از p.p و یا آخر جمله به کار رفته و دلالت بر عملی می کند که قبل از انتظار و خواست ما

انجام شده است.

مثال : ما دیر رسیدیم زنگ خورده است.

We are late , the bell has **already** gone/ rung.

9. **just** : به مفهوم همین الان - چند لحظه پیش - الساعه - قبل از p.p به کار می رود.

مثال :

من همین الان کارم را به اتمام رساندم.

I have **just** finished my work.

10. **yet** : به مفهوم « یا نه » آخر جملات سؤالی و به مفهوم هنوز آخر جملات منفی به شرط آنکه فعل کمکی و

not مخفف شده باشد و اگر مخفف نشده بود بعد از not به کار می رود.

مثال :

آیا تو به آنها اطلاع داده ای یا نه ؟

Have you notified them **yet** ?

نه من هنوز به آنها اطلاع نداده‌ام.

No, I haven't notified them **yet**.

No, I have not **yet** notified them.

11. **yet** : به معنای فعالاً- حالا نه - در آخر امر منفی به کار می رود مثال:

don't do that **yet**.

فعالاً اون کارو نکن.

don't tell them anything **yet**.

فعالاً چیزی به آنها نگو.

12. **still** : به مفهوم هنوز - هنوز هم - باز هم - باز هم در جملات ساده مثبت و سؤالی قبل از فعل اصلی و بعد

از افعال کمکی به کار رفته و دلالت بر عملی می نماید که از گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

نکته : در جملات منفی **still** به **anymore/ any longer** تبدیل شده و در آخر جمله قرار می گیرد.

مثال:

I used to study English.

Do you **still** study English.

No , I don't study English **anymore/any longer**.

« ماضی بعید » (گذشته کامل)

تعریف: هر عملی که قبل از یک گذشته ای اتفاق افتاده باشد گذشته دور و یا ماضی بعید می گویند.

علامت این زبان در فارسی :

A : طول مدت زمان با کلمه « بود » همراه جملات گذشته ساده علامتی از این زمان در فارسی می باشد در این حالت کلمه « بود » به انگلیسی ترجمه نشده و قبل از طول مدت زمان **for** به کار می بریم که به فارسی ترجمه نمی گردد.

: A

طول مدت زمان + « بود » + گذشته ساده ← گذشته کامل	در فارسی
--	----------

طول مدت زمان + For + گذشته کامل	در انگلیسی
--	------------

مثال 1 : دو سال بود او را می شناختم.

I had known him for two years.

مثال 2 / وقتی او را بردیم دکتر سه روز بود چیزی نمی خورد.

He hadn't eaten anything for three days when we took him to the doctor.

B : وجود (بودم - بودی - بود - بودیم - بودید - بودند) بعد از اسم مفعول فعل فارسی ، علامت دیگر این زمان است.

مثال 1 / او گفت که قبلاً به شما اطلاع داده بود.

He said (that) he had notified you before.

مثال 2 / فکر کردم که تو همه چیزها را فهمیده بودی.

I thought (that) you had understood every thing.

طرز ساخت : برای ساختن این زمان در انگلیسی از فرمول زیر استفاده می شود.

فرمول کلی :

Subject + had + past participle

نشانه های این زمان :

گذشته ساده + when/before + گذشته کامل

I had gone **when/ before** you came in . من رفته بودم وقتی که تو آمدی تو.

گذشته کامل + after + گذشته ساده

I come in **after** you had gone. من آمدم تو بعد از آنکه تو رفته بودی .

گذشته کامل + since + گذشته کامل

You had gone **since** I had arrived. از وقتی که من رسیده بودم تو رفته بودی .

از وقتی که رفوزه شده بودم امتحانی هم نداده بودم.

I had taken no examination since I had failed.